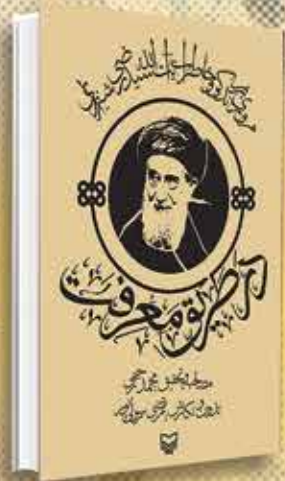


صبح ایران

فرهنگی، هنر و زندگی
ویژه



حکیمی از تبار میرزای شیرازی

زمانه و زندگی آیت‌الله سیدرضی شیرازی^(۹)، فیلسوف بزرگ شیعه را مرور کرده‌ایم

صفحه ۸

هالیوود

پادوی پنتاگون

تولیدات سینمایی هالیوود بعد از ۱۱ سپتامبر
با هدف القای نقش آخرالزمانی آمریکا اوج گرفت



۱۰۰

پایتخت

۵/۲ میلیاردی شد

«جام جم» از آمارهای سریال پربیننده شبکه یک
در فضای مجازی گزارش می‌دهد



۷۱۰

رفیق صبحگاهی

مردم ایران

طنز، موسیقی و یک دنیا مسئولیت: فرمول جادویی
محبوب‌ترین برنامه صبحگاهی رادیو ایران



۶۱۰

درنگ

کوروش امیریورا فعال فرهنگی

مهمانی کتاب

دروغ چرا؟!... شما که غریبه نیستید، حال نشر خوب نیست! نفس بسیاری از ناشران و کتابفروشان به شماره افتاده؛ می‌گویند کتاب کاغذی گران است و دوره آن به سر آمده و ناشران باید دیر یا زود خود را با موج عالم‌گیر روی‌آوری به سمت کتاب‌های الکترونیک و صوتی همراه سازند. بیراه نمی‌گویند، هزینه تمام‌شده تولید کتاب روزبه‌روز رو به افزایش است، از طرفی اقبال بخش وسیعی از مخاطبان به سکوهای عرضه کتاب دیجیتال و شمار رو به افزایش مخاطبانی که ترجیح می‌دهند به جای مطالعه، گوش به کتاب‌های صوتی و یادکست‌ها بسپارند، مؤید این امر است که بخشی از کتابخوانان با کتاب‌های الکترونیک انس گرفته‌اند. اینها همه درست اما به نظر می‌رسد، دلیل اصلی رکود بازار نشر عدم تولید محتوایی است که پاسخگوی نیازها و سلیقه‌های موجود باشد. کیست که کتابی از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را در کتابخانه خود داشته باشد و از مقایسه تیراژ کتاب‌های چاپ شده در آن دهه‌ها با تیراژهای امروزی آه نکشد؟! زمانه تغییر کرد و سلیقه‌ها دگرگون شد اما بیایید ببینیم که ما تولیدکنندگان محتوا نه آن‌طور که باید توانسته‌ایم در متن این تحول نقش ایفا کنیم و نه توانسته‌ایم روند به‌روز آن را درک کنیم و اینک مانده‌ایم با جامعه‌ای که اقبالی به ما نمی‌کند.

آری صحبت راجع به این‌که گرانی کتاب و اقبال به سمت کتاب‌های الکترونیک از دلایل رکود بازار نشر است بی‌راه نیست اما اگر بخواهیم فقط به پرداختن به این موارد بسنده کنیم و آنها را عوامل اصلی بی‌روقتی صنعت نشر به شمار آوریم، یا مسأله را نادرست فهمیده‌ایم یا قصدمان نادیده گرفتن عمده مسأله اصلی است. به نظر نگارنده علت اصلی رکود در بازار نشر عدم تولید محتوایی است که بتواند پاسخی برای نیازهای مخاطبان ایران امروز در دل خود داشته باشد.

به نظر می‌رسد نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران باید فرصتی باشد که ناشران، نویسندگان و سایر متولیان حوزه فرهنگ گرد هم آیند و به مسأله اصلی که به آن اشاره شد بپردازند اما این نمایشگاه صرفاً تبدیل شده به مجالی برای فروش کتاب بدون در نظر گرفتن این موضوع که همین امر می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به کتابفروشی‌های کوچک بزند. سخن در مورد فرصت‌ها و آسیب‌های برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به صورت کنونی نیز یکی از مواردی است که می‌بایست یک‌بار برای همیشه با حضور همه جانبه ناشران، شرکت‌های بخش‌کننده کتاب، کتابفروشان و نویسندگان مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و کدام فرصت بهتر از همین ایام؟!

باری، امسال شرکت انتشارات سروش در نظر دارد غرفه خود را به مکانی تبدیل کند که در آن به چالش‌های پیش‌روی نشر بپردازیم، شما هم دعوت هستید.

نگاه

سید سجاده موسویان | پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

خدای خرمشهر، هنوز هم هست!

به مناسبت سالروز عملیات «الی بیت المقدس»



این روزها سالروز عملیات «الی بیت المقدس» است. یک زمانی ارتش تا بن دندان مسلح صدام به مرزهای ما و هویت ما، تاریخ ما حمله کرد؛ پیش آمد و پیش آمد تا به خرمشهر رسید. خرمشهر را هم از ما گرفت. به‌خود آمدیم، نقشه کشیدیم و عملیات کردیم. یکی یکی مناطق اشغال‌شده را پس گرفتیم؛ هویزه، پادگان حمید، شلمچه... تا رسیدیم به خرمشهر و آنجا را هم پس گرفتیم. اما امام گفت: «خرمشهر را خدا آزاد کرد!»

گذر ایام دفاع مقدس به ما ثابت کرد که امام راست می‌گفت؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد. به قول شهید حسن باقری: «خیلی وقت‌ها ما طرحی را آماده می‌کنیم که بعداً خیلی غافلگیرانه متوجه می‌شویم شب عملیات طرحمان عوض شده و خلاف آن چیزی که ما می‌خواستیم عمل شده و همان مسأله به نتیجه می‌رسد.» چه بسیار عملیات‌هایی که طبق برنامه پیش رفت و خودمان را در آستانه شکستی بزرگ می‌دیدیم اما به یکباره فتوحات چند برابر نقشه ما پیش می‌آمد. شهید زین‌الدین تعریف می‌کرد: «عملیات خیبر... این طرف ۶۰ تا ۷۰ نفر نیرو بیشتر نداشت و ۳ تا

یک لحظه صبر کنید! سوءتفاهم نشود! توقع نداریم خدا برود به جای ما بجنگد یا به جای ما تولید علمی کند. یا این‌که خدا برود به جای ما تولید اقتصادی کند و ما هم بنشینیم تا وقتی که کار خدا تمام شد از نتایجش استفاده کنیم! در فتح خرمشهر هم ما بودیم! با جان و دل هم بودیم! با تمام توان بودیم! اتفاقاً چون ما بودیم و با جان و دل و تمام توان بودیم، خدا آزاد کرد.

امروز ولی‌مان می‌گوید خرمشهرهای پیش‌رو سخت‌تر است. خدا رحم کند! در همان خرمشهر سال ۶۱ که آسان‌تر بود، بعضی‌مان دنبال راه‌های آسان‌تر بودیم. خیلی‌هایمان معمولاً تا هوا پس می‌شود به فکر راه حل‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک می‌افتیم.

خدا رحمت کند بزرگمرد میدان را! می‌گفت: «در فتح بیت‌المقدس اکثر برادران نظامی - که بماند الآن بیشترین برادران سیاستمدار ما در داخل مملکت هستند - معتقد بودند که خرمشهر را فقط می‌شود با مذاکره پس گرفت.

شما طرح خرمشهر را اگر جلوی‌تان بگذارید، اصلاً فتحش از نظر نظامی غیرقابل تصور بود.» امروز هم خرمشهرهایمان غیرقابل فتح به نظر می‌رسند. چه کسی می‌خواهد اقتصاد مریض را از مرگ حتمی نجات دهد؟ مدیریت جهادی در این ساختار بروکراتیک خسته چطور می‌خواهد معنا بشود؟ چه کسی می‌تواند وضعیت حجاب را سر و سامان بدهد؟ سبک زندگی اسلامی که دیگر جای خود!

اما مگر ما راست‌گوتر از آن بالاسری هم سراغ داریم؟ همو که وعده کرده «اگر خدا را باری کنید، او شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.» [سوره مبارکه محمد(ص)، آیه ۷] امروز حکومتی که ادعای خدا و دین و پیغمبر دارد سر کار است و کشور هم در حوزه‌های مختلف با مشکل دست و پنجه نرم می‌کند.

اگر دست‌گذاشتن روی یک مسأله اساسی و تلاش برای حل کردن آن، نصرت خدا و دین او نیست، پس نصرت خدا دیگر چیست؟ اگر صدامان [صد درصد توانمان] را وسط بگذاریم، خدا هم صدش را می‌آورد؛ آن‌گاه خواهیم دید که خرمشهرها را خدا آزاد خواهد کرد.

حوزه نشر و دیپلماسی فرهنگی

امروز شنبه بیستم اردیبهشت ماه، چهارمین روزی است که سفره رنگین و پرمات «کتاب» و «کلمه» پیش روی اهل خرد و دانایی در سرزمین فرهنگ‌مدارمان گسترده شده است.

بهترین عرصه و فرصت سالانه‌ای که اهالی فکر، کتاب و جامعه ناشران کشور در مقام تولید کالای مکتوب، گردهم می‌آیند و در کنار دیده شدن و فروش کتاب‌هایشان، از مطالبات حرفه‌ای، صنفی و نیازهای روز حوزه کتاب و نشر آگاه می‌شوند، همین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران است.

همین که یک شهروند عادی، سالانه گذارش به نمایشگاه کتاب می‌افتد و از وسعت کار و تلاش‌هایی که در پشت صحنه تولید یک اثر مکتوب صورت می‌گیرد، آگاهی نسبی پیدا می‌کند، یک اتفاق مثبت در حد موهبت است!

ناشر و نویسنده هم هر سال، معدلی از سطح‌اندیشگی مخاطبان و کتاب‌دوستان و علاقه‌مندان به مطالعه - که قطعاً تعدادشان کم نیست و نارسایی‌ها و وقفه در کتابخوانی را که به سبب عوامل و مشکلات متعددی پدید آمده - به دست می‌آورند و خیلی‌هاشان بعد از جمع‌بندی‌هایی که از برپایی ده روز نمایشگاه کتاب دارند، به برنامه‌ریزی روشنی برای فعالیت در سال پیش‌رو می‌رسند، این واقعیت را تعدادی از ناشران حرفه‌ای و کارآزموده و دوستان اهل قلم بارها در اینجا و آنجا گفته‌اند... می‌توان به صراحت گفت که برگزاری «نمایشگاه کتاب» در یک نگاه کلی خوب است و قطعاً بودن آن بسیار بهتر از نبودن این رویداد ملی است، اگر آسیب و کاستی و غفلتی باشد طبیعی است که باید برای رفع، اقدام کرد اما سی و شش سال متوالی است که این در، به روی مشتاقان میلیونی کتاب باز می‌شود، عیار واقعی تقاضای کتاب در سطح کشور، دیده و روی آن سرمایه‌گذاری فرهنگی و اقتصادی صورت می‌گیرد، نوع نگاه و رویکرد مردم به کتاب‌ها نشان می‌دهد کدام حوزه موضوعی و با چه شکل و کیفیت و محتوایی مورد پسند و اقبال عمومی است، عرضه و فروش کتاب به دو صورت فیزیکی و مجازی، کار را برای آن دسته از شهروندان و هموطنانی که به هر دلیل امکان حضور در نمایشگاه را ندارند، آسان کرده و نهایتاً این‌که آمار واقعی فروش کتاب را فقط کارخوان‌های نصب‌شده در غرفه‌های ناشران اعلام نمی‌کنند، صفحات مجازی ناشر هم در امر فروش محصول، فعال و تعیین‌کننده است.

امسال به نظرم آمد که نیازمند یک دیپلماسی به روز شده فرهنگی و متقن با رُئوس مشخص هستیم، چراغ راهنمایی که ناشر و نویسنده و محقق و گرافیست و تصویرگر و کلیه عوامل نشر را به شناختی - هر چند حداقلی - از وضعیت فرهنگی، سیاسی منطقه و حتی دنیا برساند تا در حرفه، هنر و سرمایه‌گذاری فرهنگی و اقتصادی، به کار بیایند، وادی کتاب هم از آنچه در جهان می‌گذرد با تاثیرها و پیامدهایش، جدا نیست، مردم از تاریخ، حقیقت را می‌خواهند و کتاب و قلم از دیرباز میراثدار، امانتدار و بازتاب‌دهنده حقایق بوده‌اند، البته امروز رسانه با قدرت فراگیری بسیار بالا و سرعت نفوذ و تاثیرش بر ملل، گوی سبقت را از کتاب ربوده، اما نه تنها در ایران ما بلکه در دیگر کشورهای جهان نیز، جلوه باورمندی و ارادت به کتاب - به عنوان رسانه‌ای قدیمی و شناخته شده - رنگ نابخاشته و هنوز کتاب، مرجع قابل اعتنا و اعتماد محسوب می‌شود.

باید دید که آیا قادریم در دنیای امروز، کتاب‌های جریان‌ساز تولید کنیم؟ و از بعد اقتصادی نیز صنعت نشر ما حداقل در سطح منطقه، برای کشور ارزآوری کند و حرفی برای گفتن داشته باشد؟